



قتل فرزند توسط مادر در فقه شیعه

پدیدآورده (ها) : زراعت، عباس

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: بازتاب اندیشه :: خرداد 1383 - شماره 50
از 25 تا 31

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/38793>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 23/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

قتل فرزند توسط مادر در فقه شیعه

عباس زراعت

آفتاب ۸۳/۳/۳



چکیده: بر اساس فقه شیعه، پدر یا جد پدری در صورت قتل فرزند قصاص نمی‌شوند؛ اما مادر چنین حکمی ندارد. فقهای اهل سنت با تمسک به استحسان، این حکم را شامل مادر نیز دانسته‌اند. بررسی ادله این حکم نشان می‌دهد که امکان اثبات این حکم برای مادر وجود دارد و نیز از نظر حقوقی نیز باید راهکارهایی را در این زمینه تعیین نمود.

فقهای شیعه تقریباً اتفاق نظر دارند که اگر پدر یا جد پدری فرزند خود را عمداً بکشد، قصاص نمی‌شود؛ اما این حکم در مورد مادر و سایر اقوام مقتول وجود ندارد که در زیر به برخی از فتاوی‌ای ایشان اشاره می‌کنیم: مرحوم محقق نجفی در این خصوص می‌گوید: «مادر اگر فرزند خود را بکشد قصاص می‌شود و هیچ مخالفی را در این حکم ندیدم، مگر اسکافی که با سخن فقهای اهل سنت هم‌رأی است و مادر را با پدر مقایسه می‌کند و از راه استحسان، حکم به معافیت وی از مجازات می‌دهد. همچنین اقارب دیگر مانند اجداد، جدات مادری، برادران، خواهران پدری و مادری، عموها، عمه‌ها، دایی‌ها و خاله‌ها نیز اگر نوه یا برادرزاده یا خواهرزاده خود را بکشند قصاص می‌شوند و مخالفی هم در این زمینه ندیدم، مگر ابوعلی و فقهای اهل سنت که اجداد و جدات را معاف از مجازات می‌دانند».^۱

بازتاب اندیشه ۵۰

۲۵

قتل فرزند
توسط مادر
در فقه شیعه

۱. محمد حسن نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ سوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۶، ج ۴۲، ص ۱۷۰.

مرحوم علامه حلی^{رح} می‌گوید: «پدر اگر فرزندش را بکشد قصاص نمی‌شود. اما فرزند اگر پدرش را بکشد قصاص می‌شود. همچنین مادر اگر فرزندش را بکشد قصاص می‌شود و بقیه خویشاوندان مانند اجداد، جدات مادری، برادران، خواهران، عموها، عمه‌ها، خاله‌ها و دایی‌ها قصاص می‌شوند»^۱.

ادله قصاص مادر برای قتل فرزند

مهم‌ترین دلایلی که برای عدم معافیت مادر در صورت قتل فرزند برشمرده شده است به شرح زیر می‌باشد:

۱. مجازات قتل عمد، قصاص است و موارد معافیت از قصاص در منابع شرعی و قانونی تصریح شده است. بنابراین اگر در موردی دلیل خاصی برای استثنا کردن شخصی وجود نداشته باشد، باید به حکم عام قصاص عمل کرد که در مورد مادر هم دلیل خاصی وجود ندارد و مشمول مقررات عمومی قصاص می‌شود.

۲. روایات شرعی که پدر را استثنا کرده‌اند، قابل تسری به مادر نمی‌باشند؛ زیرا پاره‌ای از آنها واژه «والد» را به کار برده‌اند و این واژه ظهور در پدر دارد، مانند روایت امام صادق^ع که فرمودند: «لا یقتل الاب بابه اذا قتله و یقتل الابن بابیه اذا قتل اباه؛ پدر در صورتی که فرزندش را بکشد قصاص نمی‌شود؛ اما فرزند اگر پدرش را بکشد قصاص می‌شود»^۲.

به فرض آنکه روایات مزبور ظهور در پدر نداشته باشد، پاره‌ای روایات کلمه «رجل» را به کار برده‌اند که در ظهور آن در پدر تردیدی نیست، مانند روایت امام صادق^ع که فرمود: «لا یقتل الرجل بولده اذا قتله؛ مردی اگر فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود»^۳. البته استناد به کلمه رجل برای تخصیص روایت به پدر، چندان موجه نیست؛ زیرا معمولاً از این واژه در روایات بدون اینکه نظر به جنس مذکر باشد استفاده می‌شود، مانند اینکه می‌گوید: «مرد باید نماز خود را شکسته بخواند؛ اما معنایش آن نیست که زن نباید نماز خود را شکسته بخواند؛ بلکه از باب تغلیب، واژه مرد را به کار می‌برد».

۳. مرحوم شیخ طوسی، علاوه بر دو دلیل فوق، اجماع فقهای شیعه را نیز به عنوان مستند رأی ایشان بیان می‌کند.^۴

بازتاب اندیشه ۵۰

۲۶

قتل فرزند
توسط مادر
در فقه شیعه

۱. علامه حلی، قواعد الکلام فی مسائل الحلال والحرام، گردآوری شده در سلسله الینایع الفقہیة توسط علی اصغر مروارید، چاپ اول، مؤسسه فقه‌الشیعه، بیروت، ۱۳۶۹ (۱۹۹۰)، ص ۵۵۳.

۲. محمدبن حسن، حر عاملی، وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۵۷. ۳. همان.

۴. ابوجعفر محمدبن حسن طوسی، الخلاف، گردآوری شده در الموسوعات الفقہیة توسط علی اصغر

قتل فرزند توسط مادر از دیدگاه فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت برخلاف فقهای شیعه، مادر را در قتل فرزند، همچون پدر، معاف از مجازات می‌دانند. کاشانی در این زمینه می‌گوید: «شرط قصاص آن است که مقتول جزئی از قاتل نباشد. بنابراین اگر پدر، فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و همین‌طور است اگر پدر یا پدر مادر و بالاتر، نوه خود را بکشد یا مادر، فرزند خود را بکشد^۱». فرغانی می‌گوید: «جد پدری و مادری و مادر و جد پدری و مادری از این جهت که در صورت قتل فرزند خود قصاص نمی‌شوند، یکسان هستند، چه درجه ایشان دور باشد چه نزدیک^۲».

ادله ممنوعیت قصاص مادر در صورت قتل فرزند

مهم‌ترین دلایلی که برای ممنوعیت قصاص مادری که فرزند خود را به قتل رسانده است می‌توان برشمرد، بدین شرح می‌باشد: ۱. روایتی که پدر را از مجازات قصاص برای قتل فرزند معاف می‌کند، شامل قتل فرزند توسط مادر هم می‌شود؛ زیرا در این روایت کلمه «اب» به کار رفته است و این کلمه هم در مورد مادر و هم در مورد پدر به کار می‌رود.

۲. آنچه که عامل به وجود آوردن چیزی است، نمی‌تواند به واسطه معلول خود از بین رود و قصاص برای قتل فرزند توسط پدر، یکی از مصادیق از بین رفتن علت توسط معلول می‌باشد. این علت در مورد مادر هم کاملاً صدق می‌کند؛ زیرا مادر نیز عامل به وجود آمدن فرزند است.

۳. یکی از توجیهاتی که در مورد عدم قصاص پدر، در صورت قتل فرزند مطرح می‌شود آن است که هر پدری فرزندش را پاره تن و جزئی از خود می‌داند. بنابراین چنین کسی ممکن نیست در حالت عادی مرتکب قتل فرزند و از بین بردن پاره تن خود شود و ارتکاب چنین عملی، دلیل بی‌ارادگی و عدم تعادل روانی پدر در هنگام قتل است. اگر این استدلال را بپذیریم، عیناً در مورد مادر نیز صادق خواهد بود؛ زیرا رابطه عاطفی میان مادر و فرزند نه تنها کمتر از رابطه عاطفی میان پدر و فرزند نیست، بلکه شدیدتر از آن هم می‌باشد. از این رو، به همان دلیلی که پدر معاف از قصاص است، مادر نیز باید معاف از قصاص باشد.

← مروارید، چاپ اول، دارالتراث، بیروت، ۱۳۸۰ (۲۰۰۱)، ج ۳، ص ۸.

۱. علاءالدین بن مسعود الکاسانی، بدایع الصنائع، گردآوری شده در الموسوعات الفقهية توسط علی اصغر

مروارید، چاپ اول، دارالتراث، بیروت، ۱۳۸۰ (۲۰۰۱)، ج ۵، ص ۲۱.

۲. برهان‌الدین ابوالحسن علی بن ابوبکر، فرغانی، الهدایه، گردآوری شده در الموسوعات الفقهية، توسط

علی اصغر مروارید، چاپ اول، دارالتراث، بیروت، ج ۵، ص ۲۲۵.

۴. تفسیر مضیق قانون به نفع متهم اقتضا می‌کند که مادر نیز از مجازات معاف شود؛ زیرا فقهای شیعه و سنی، پدر را از مجازات قصاص، معاف می‌دانند و در مورد مادر اختلاف نظر وجود دارد و حتی برخی از فقهای شیعه نیز، همان‌گونه که دیدیم، با فقهای اهل سنت هم‌رأی هستند. بنابراین، حداقل باید قصاص مادر برای قتل فرزند را به عنوان یکی از مصادیق شبهه دانست که چنین مجازاتی را به حکم قاعده «درء» نمی‌توان اعمال کرد.

نتیجه

۱. از نظر حقوقی توجیهی برای معافیت پدر و مادر در ارتکاب به قتل فرزند وجود ندارد؛ زیرا عناصر و ارکان قتل همان‌گونه که در مورد غیرپدر و مادر محقق است، در مورد پدر و مادر نیز صادق است و اگر در موردی ثابت شود که پدر یا مادر از حالت روانی برخوردار نیستند، حسب مورد و بر اساس شرایط موجود باید تصمیم گرفته شود؛ نه اینکه به صورت قاعده‌ای کلی، ارتکاب قتل از سوی پدر و مادر را اماره عدم تعادل روحی ایشان بدانیم.

۲. فقهای اهل سنت در مورد معافیت از مجازات قصاص در قتل فرزند، تفکیکی میان پدر و مادر انجام نداده‌اند. اما فقهای شیعه فقط پدر را از مجازات معاف می‌دانند که در این خصوص باید به دو مطلب توجه داشت: اول، مبنای معافیت پدر و مادر از مجازات قصاص کاملاً تبعیدی است. دوم، تفکیک میان پدر و مادر صرفاً بر اساس فهم‌های مختلف از روایات است و طبیعی است که در این مسئله مهم باید به دلایل قوی‌تری استناد کرد و صرف برداشت لغوی را ملاک قرار نداد.

۳. در مقام داوری میان دیدگاه فقهای اهل سنت و فقهای شیعه در مورد قصاص مادر می‌توان گفت دیدگاه فقهای شیعه با قواعد حقوقی سازگارتر است؛ زیرا قصاص یک حکم عام است که موارد استثنای آن نیاز به نص دارد و در مورد قتل فرزند توسط مادر چنین استثنایی وجود ندارد؛ بنابراین تابع قواعد عمومی است. اما اگر این مسئله را صرفاً یک حکم تبعیدی بدانیم، بهتر است حکم مادر نیز مانند حکم پدر باشد؛ زیرا تفاوت مهمی میان آن دو وجود ندارد.

۴. در منابع شرعی، نصی در مورد تخفیف مجازات مادری که بر اثر زایمان، تعادل روحی خود را از دست می‌دهد و طفل خود را می‌کشد، وجود ندارد و مجازات قصاص هم مجازات ثابتی است که تخفیف نمی‌پذیرد. اما بهتر است که قانون‌گذار در این خصوص هم مقرارتی وضع کند. همچنین سکوت منابع شرعی هم دلیلی بر آن نیست که شارع اسلام مخالف تخفیف مجازات چنین مادری است.

بازتاب اندیشه ۵۰

۲۸

قتل فرزند
توسط مادر
در فقه شیعه

۵. در مورد قتل فرزند توسط مادری که فرزند خود را از راه زنا به دنیا آورده است روایتی وجود دارد که مجازات قصاص را منتفی می‌داند. محمد بن قیس می‌گوید: «از امام باقر علیه السلام در مورد زن شوهرداری سؤال کردم که مرتکب زنا شده است و از این راه حامله می‌شود و پس از تولد، طفل را مخفیانه به قتل می‌رساند و ایشان فرمودند: صد تازیانه برای قتل کودک به وی زده می‌شود و به دلیل زنا، محصنه هم سنگسار می‌شود». سپس وی در مورد زنی سؤال می‌کند که شوهر ندارد و مرتکب زنا می‌شود و فرزندش به دنیا می‌آورد و طفل را مخفیانه می‌کشد و امام فرماید: «صد تازیانه به دلیل زنا و صد تازیانه هم برای قتل فرزندش به او زده می‌شود»^۱. بنابراین در مورد قتل فرزند توسط مادری که با انگیزه سرپوش نهادن بر زنا، خود مرتکب قتل می‌شود، مستند شرعی هم وجود دارد و قانون‌گذار می‌تواند از آن بهره‌گیری و خلأ قانونی موجود را جبران کند.

● اشاره

۱. نویسنده ادله‌ای را برای عدم قصاص پدری که فرزندش را به قتل رساند ذکر کرده است و سپس به نقد آن ادله پرداخته است. اولین دلیل فقهی مورد اشاره وی روایت «لَا يَقْتُلُ الْأَبُ بَابِيهِ إِذَا قَتَلَهُ» است. نویسنده در اشکال به این دلیل چند نکته را مطرح ساخته است: نکته اول: مراد از «أَبُ» پدر و مادر (والدین) است و این‌گونه استعمال که از باب تغلیب است معمولاً در روایات به‌کار می‌رود. نکته دوم: در چنین مسائلی مهمی می‌بایست به دلایل قوی‌تری استناد کرد و صرف نحوه برداشت لغوی نمی‌تواند ملاک باشد.

در پاسخ به نکته اول باید گفت در تمام مواردی که واژه اب در معنای والدین استعمال شده است، استعمال مجازی است و قرینه خاص متصل به کلام و یا منفصل از کلام موجود بوده و سبب این برداشت شده است. اما موضوع له حقیقی لفظ أب، همان مفهوم «پدر» در فارسی است و هر کجا این لفظ استعمال شود، به معنای پدر است، مگر آنکه قرینه خاصی برخلاف آن معنا موجود باشد و در روایت مورد اشاره چنین قرینه‌ای وجود ندارد. از این رو ظهور اب در معنای پدر، کامل است و می‌توان به آن استناد نمود. آنچه درباره واژه‌های «والد» و «رجل» گفته شد و در برخی دیگر از روایات آمده است، صادق می‌باشد. در پاسخ به نکته دوم نویسنده باید متذکر شد که دلیل عمده در این حکم، روایاتند، نه برداشت‌های لغوی از واژه‌های ذکر شده در روایات. برداشت لغوی خودبه‌خود نمی‌تواند حکم شرعی را به دنبال داشته باشد. این مطلب درست است که در هنگام استدلال به

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.

روایاتی که در مباحث فقهی مورد استناد قرار می‌گیرند، می‌بایست درباره دلالت روایت و مفاهیم به‌کار رفته در آن بحث نمود تا ظهور عرفی روایت در یک معنای خاص قطعی شود، اما این مسئله به معنی این نیست که دلیل حکم فقهی، مباحث لغوی است. دلیل حکم فقهی در محل بحث (عدم قصاص پدر) روایت است؛ اما برای فهم معنای روایت می‌بایست از مباحث لغوی استفاده نمود. به علاوه، در بررسی یک روایت، بحث از سند روایت و صحت انتساب آن نیز ضروری است که نویسندگان در این مقاله متعرض موضوع نشده است. البته در کلمات فقهای شیعه دلیل دیگری با عنوان «اجماع» ذکر شده است که با توجه به وجود روایات در این زمینه، علی‌القاعده، مستند اجماع، همین روایت بوده است و اجماع دلیل مستقلی نمی‌باشد.

۲. دلیل دومی که نویسندگان متعرض آن گشته است این است که آنچه عامل به وجود آوردن چیزی است، نمی‌تواند به واسطه معلول خود از بین برود و پدر چون فرزند خود را به وجود آورده است، نمی‌توان پدر را به خاطر قتل فرزند از بین برد. آن‌گاه نویسندگان اشکال می‌کنند که این استدلال در مورد مادر نیز عیناً صادق است.

بررسی کلمات فقهای شیعه به خوبی آشکار کننده این مطلب است که دلیل مذکور در استدلال‌های فقهی فقهای شیعه وجود ندارد و اگر هم بدان اشاره شده است، مستند حکم قرار نگرفته است؛ بلکه به عنوان بیان حکمت حکم مطرح شده است، نه علت حکم. از همین‌روست که نویسندگان در همین مقاله، مخدوش بودن این دلیل را از قول شهید ثانی نقل کرده است و نیز از صاحب جواهر نقل کرده است که اهل سنت از راه استحسان، حکم به معافیت مادر از مجازات داده‌اند.

۳. نویسندگان دلیل سوم را این‌چنین بیان کرده است که فرزند، پاره تن پدر است و هیچ پدری در حالت عادی، جزئی از وجود خود را از بین نمی‌برد و لذا ارتکاب چنین عملی از سوی پدر، اماره بر بی‌ارادگی و عدم تعادل روانی پدر در هنگام قتل است و اگر این استدلال را بپذیریم، عیناً در مورد مادر نیز صادق است.

همچنان‌که گذشت این حکم، مستند به روایات است و دلیل فوق نیز دخالتی در این حکم فقهی فقها نداشته است. به علاوه، این دلیل نه تنها شامل مادر، بلکه شامل هر کسی که دیگری را بدون اراده و یا عدم تعادل روانی به قتل برساند می‌شود و در نتیجه حکم مستقلی برای پدر محسوب نمی‌شود. علاوه بر آن، عدم تعادل روانی اگر به معنای ناراحتی‌های روحی و اضطراب و عصبانیت باشد، به هیچ وجه مسئولیت مجرم و قاتل را سلب نمی‌نماید. اگر مقصود از عدم تعادل روانی، جنون و دیوانگی باشد، مطلب درستی است؛ اما حکم اختصاصی برای پدر نمی‌باشد و کلیه دیوانگان را شامل می‌شود و ربطی به محل بحث نخواهد داشت.

۴. نویسندگان مانند برخی از نویسندگان که در مباحث فقهی نظام اسلامی ایران به فقه

بازتاب اندیشه ۵۰

۳۰

قتل فرزند
توسط مادر
در فقه شیعه

اهل سنت استناد می‌کنند، از فتاوای فقهای اهل سنت سخن به میان آورده است. این روش اگر در مباحث علمی و آکادمیک به کار گرفته می‌شود، منطقی و طبیعی است؛ چرا که محقق و پژوهشگر در مقام تبیین و تحلیل نظریات مختلف قرار دارد. اما در ارائه راه‌حل‌های فقهی و حقوقی برای جامعه اسلامی ایران که تمامی قوانین آن مبتنی بر فقه شیعه شکل می‌گیرد، روشی ناصواب و خطاست.

همچنان‌که نویسنده مدعی شده است؛ قصاص نکردن مادر در برابر قتل فرزند حاصل از زنا، نمی‌تواند مستند جعل قانون نسبت به قتل فرزند مشروع توسط مادر گردد. چرا که قصاص نکردن مادر در این زمینه، نه به دلیل انگیزه مادر و یا حالت روانی است، بلکه از آن‌روست که فرزند نامشروع و حاصل از زنا، احکام متفاوتی نسبت به فرزند حلال و مشروع دارد. از این‌رو نمی‌توان حکم فرزند مشروع را به فرزند نامشروع تسری داد.

